

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: علی کاظمی

۲۰ نومبر ۲۰۱۱

ایران در هفته ای که گذشت

حقیقت پوشیده ماند

روز شنبه ۲۱ عقرب یک انفجار بزرگ در یکی از مراکز نظامی سپاه پاسداران در حوالی شهریار رخ داد. شدت این انفجار به حدی بود که صدای آن در مناطقی از غرب تهران و کرج شنیده شد، شیشه تعدادی از ساختمانها فرو ریخت و مردم وحشتزده تصور کردند جنگ آغاز شده است. خبرگزاریهای جمهوری اسلامی نخست اعلام نمودند که این صدای مهیب، ناشی از انفجار در یک جایگاه پمپ گاز در منطقه شهر قدس شهریار بوده است. اما سخنگوی شرکت ملی پخش فرآوردههای نفتی ایران با تکذیب این خبر اعلام کرد که هیچگونه انفجاری در تأسیسات نفتی استان تهران رخ نداده است. سپس نماینده شهریار در مجلس در گفت و گو با خبرگزاریها از انفجار در یک پادگان نظامی خبر داد و گفت:

"صدای مهیبی که بعد از ظهر روز شنبه ۲۱ آبان ماه [عقرب]، در کرج و تهران به گوش رسیده، حاصل انفجار در یک پادگان نظامی نزدیک به شهر ملارد در استان البرز بوده است." پس از این مقدمات سر و کله سپاه پاسداران در این ماجرا پیدا شد. مسؤول روابط عمومی سپاه پاسداران اعلام نمود که این انفجار در یکی از پادگانهای سپاه هنگامی رخ داد که "یک محموله مهمات از زاغه در حال خارج شدن به سمت منطقه مورد نظر بود که متأسفانه به محض خروج از زاغه این حادثه اتفاق افتاد." وی افزود که این حادثه در محلی متعلق به سازمان جهاد خودکفائی سپاه به وقوع پیوست که در جریان آن ۱۷ پاسدار کشته و ۱۶ تن مجروح شدند. خبرهای بعدی حاکی بود که رئیس سازمان جهاد خودکفائی سپاه نیز در میان کشتهشدگان است.

با استناد به همین گزارش روابط عمومی سپاه پاسداران، روشن است که اصل ماجرا پوشیده و پنهان مانده است. استدلال سپاه پاسداران که انفجار هنگامی رخ داد که "محموله مهمات در حال خارج شدن از زاغه بود" بیش از آن کودکانه است که کسی آن را باور کند. گویا محموله مهمات به روشنائی حساس بوده که به محض خروج از زاغه، خود به خود منفجر شده است. علاوه بر این گویا سپاه، پرسنل دیگری هم برای انتقال محموله مهمات از زاغه

نداشت و سردار سپاه، رئیس سازمان جهاد خودکفائی سپاه پاسداران خودش وظیفه انتقال محموله مهمات را از زاغه بر عهده گرفته بود و با انفجار آن به قتل رسید.

جمهوری اسلامی حقیقت را نگفت، اما اخبار و گزارشاتی از منابع اطلاعاتی و نظامی کشورهای دیگر انتشار یافت که حاکیست، این پادگان یکی از مراکز نگهداری موشک‌های دوربرد شهاب می‌باشد. اما چرا و چگونه انفجار در این مرکز نظامی سپاه رخ داد، هنوز پوشیده مانده است. در پی این انفجار، برخی رسانه‌های بین‌المللی، از قول منابع نظامی و اطلاعاتی از دست داشتن سازمان‌های جاسوسی کشورهای دیگر به ویژه اسرائیل در این انفجار خبر دادند. روزنامه دیلی تلگراف، نشریه تایم، اشپیگل، یورونیوز و تعدادی از رسانه‌های مهم، این انفجار را به موساد، سازمان جاسوسی اسرائیل نسبت دادند. روزنامه‌های اسرائیلی نیز از "انفجار اسرارآمیز در پایگاه موشکی ایران" سخن به میان آوردند و رئیس سازمان موسوم به جهاد خودکفائی سپاه را متخصص موشک‌های شهاب و زلزال معرفی نمودند. دیلی تلگراف به نقل از یکی از روزنامه‌های اسرائیلی نوشت: "این انفجار می‌تواند در اثر یک عملیات نظامی باشد که بر اساس اطلاعات سازمان‌های امنیتی انجام شده است."

اما جمهوری اسلامی همانند موارد متعدد دیگری که در گذشته رخ داده است، به ذکر این نکته اکتفاء کرد که موضوع در دست بررسی است و متعاقباً علت این انفجار اعلام خواهد شد. در عین حال، تاکنون رسماً ادعای خرابکاری سازمان‌های جاسوسی را هم تکذیب نکرده است. بالعکس موضع‌گیری رئیس ستاد نیروهای مسلح جمهوری اسلامی بر ابهام افزوده است. فیروزآبادی گفت: "این حادثه و انفجار اخیر هیچ ربطی به اسرائیل و امریکا ندارد، جز این که محصول تحقیقاتی که می‌تواند مشت محکمی بر دهان استکبار و رژیم غاصب باشد، تنها تولید آن برای دو هفته به تأخیر و تعویق افتاده است ولی قطعاً نیروها و همسنگران شهید مقدم این راه را با قدرت بیشتر ادامه خواهند داد و ثمره تلاش آن‌ها مشت محکمی بر دهان اسرائیل و استکبار جهانی خواهد بود." رئیس قرارگاه عمار نیز گفت: "این پروژه‌ای که شهید حسن تهران مقدم پیگیری می‌کرد قطعاً به ثمر خواهد نشست و همه موانع نیز برطرف خواهد شد."

با این دو اظهار نظر روشن است که اولاً، ادعای رژیم در مورد نقل و انتقال مهمات از زاغه به بیرون دروغ بوده است. صحبت از به تأخیر افتادن تولید سلاحی است که تا دو هفته دیگر قرار است آماده شود و پروژه‌ای که تهرانی مقدم آن را پیگیری می‌کرد و نیروهای دیگر سپاه آن را ادامه خواهند داد. به این اساس سه فرضیه را می‌توان در این میان متصور دانست. اولاً، انفجار می‌تواند در جریان آزمایش و یا کار بر روی موشکی با قدرت تخریبی بالا رخ داده باشد که تعدادی از فرماندهان سپاه پاسداران نیز احتمالاً برای بررسی پیشرفت کار در محل حضور داشته‌اند. جمهوری اسلامی در جریان این انفجار تنها کشته شدن مسئول جهاد خودکفائی سپاه را برجسته کرد و از کشته شدن ۱۷ پاسدار خبر داد. اما رئیس سازمان تبلیغات اسلامی رژیم در پیام تسلیت خود از کشته شدن نه یک سردار بلکه سرداران خبر داد و نوشت: "واقعه انفجار اخیر که منجر به شهادت جمع کثیری از سرداران و نیروهای جان بر کف سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گردید، بر ملت شریف ایران سخت جان‌گداز و ناگوار آمد." بنابراین احتمالاً تعداد زیادی از فرماندهان سپاه در محل انفجار حضور داشته و به قتل رسیده یا مجروح شده‌اند.

از همین رو می‌توان دو فرضیه دیگر را نیز مطرح کرد. یکی این که سازمان‌های اطلاعاتی امریکا، اسرائیل و غیره از آنچه که در محل انفجار و حضور فرماندهان سپاه در جریان بوده است، اطلاع داشته و اقدام مستقیم نظامی از طریق سلاح‌های پیشرفته فضائی انجام داده‌اند. اما جمهوری اسلامی صدای قضیه را درنیاورده است.

چرا که با توجه به تبلیغات توخالی نظامی خود نمی‌تواند حتی به طرفداران خود پاسخ دهد. شق دیگر نیز می‌تواند این باشد که به اساس همین اطلاعات، خرابکاری از درون صورت گرفته باشد.

در هر حال واقعیت قضیه هر کدام از این شقوق باشد، تمام ادعای جعلی جمهوری اسلامی را رد می‌کند. جمهوری اسلامی از مردم ایران وحشت دارد. به مردم دروغ می‌گوید و همواره تلاش می‌کند، حقیقت از دید توده مردم پوشیده بماند. توده‌های مردم ایران نیز به نیرنگ‌های رژیم واقفاند، می‌دانند هیچ‌گاه حقیقت را نمی‌گویند، لذا به آنچه که می‌گویند، باور ندارند و به کلی نسبت به این رژیم و ادعاهای آن بی‌اعتمادند.

جمهوری اسلامی به سر این قضیه انفجار نیز همچون صدها مورد دیگر، حقیقت را به مردم نگفت.

نمایندگان مجلس، مادام‌العمر از حقوق و مزایای نمایندگی برخوردار شدند

مطلع هستید که قرار است در اسفند ماه، دوره هشتم مجلس ارتجاع اسلامی به پایان برسد. لابد این را هم می‌دانید که در جمهوری اسلامی ایران هر کس که در ارگان‌ها و نهادهای دستگاه دولتی در جایگاه و موقعیت ممتاز و تصمیم‌گیرنده قرار داشته باشد، تمام فکر و ذکرش این است که به هر طریق ممکن جیب خود را پر کند.

نمایندگان مجلس هم از این قماش آدم‌ها هستند. آن‌ها فقط به حقوق و مزایای کلان دوره مجلس‌نشینی‌شان قانع نیستند، بلکه می‌کوشند از طریق زد و بند با ارگان‌های اجرایی سطح بالا و یا ارگان‌ها و مقام‌های محلی حوزه خود، بر ثروت و سرمایه خود بیفزایند. در جریان پرونده‌های فساد مالی بانک‌ها و تأمین اجتماعی دیدیم که چگونه آن‌ها در این فساد درگیرند. آن‌ها راه‌های مختلفی برای رشوه‌گیری و ثروت‌اندوزی دارند. اما گویا حقوق و مزایای کلان دوره به اصطلاح نمایندگی و سوء استفاده‌های متعدد مالی، اشتهای سیری‌ناپذیر آن‌ها را به ثروت‌اندوزی فرو نمانده است. از این رو در این هفته تصمیم گرفتند که مادام‌العمر از حقوق و مزایای دوره نمایندگی‌شان برخوردار باشند.

در جلسه روز دوشنبه این هفته، نمایندگان مجلس در بررسی یک طرح استفساریه، تصمیم گرفتند که چنانچه حقوق ثابت و فوق‌العاده مستمر مقامات سیاسی رژیم در مسؤلیت جدید از ۸۰ درصد حقوق ثابت و فوق‌العاده آنان در پست قبلی کمتر باشد به میزان مابه‌التفاوت آن تا ۸۰ درصد، تفاوت تطبیق دریافت می‌کنند. به این اساس به کلیه شاعلان و بازنشستگانی که حداقل دو سال در پست‌های سیاسی خدمت کرده باشند، بر مبنای ۸۰ درصد آخرین حقوق از سال ۸۶ یعنی ۴ سال قبل که دوره هشتم مجلس ارتجاع آغاز گردید محاسبه و پرداخت شود. البته چیزی شبیه به این مصوبه در مورد برخی از مقامات سیاسی رژیم در گذشته نیز وجود داشته، آنچه که اکنون تصویب شده است عمدتاً نمایندگان مجلس را مد نظر قرار داده که این امتیازات در مواردی شامل حال آن‌ها نمی‌شد. علاوه بر این، اکنون در سطح این ۸۰ درصد، مادام‌العمر قطعیت می‌یابد. جالب این‌است که مصوبه، عطف به ماسبق می‌شود، یعنی از سال ۸۶ را دربرمی‌گیرد.

با این مصوبه نمایندگان مجلس ارتجاع خیال‌شان راحت شد که اگر پس از دوره چهار ساله اخیر به هر علتی نتوانستند بار دیگر بر جایگاه قبلی خود تکیه زنند، بی‌دغدغه تا پایان عمر از حقوق و مزایای کلان ولو ۸۰ درصد آن برخوردار خواهند بود.

بخش اعظم مردم ایران زیر خط فقر به سر می‌برند. میلیون‌ها انسان در گرسنگی به سر می‌برند. نمایندگان مجلس ارتجاع، اما به آنچه که در دوره نمایندگی‌شان بردند و خوردند، قانع نیستند، بلکه با این مصوبه رفاه آینده خود را نیز تضمین کرده‌اند. اما این غارت‌گری تا روزی ادامه خواهد یافت که توده‌های کارگر و زحمتکش، مردم فقیر و

گرسنه وضع موجود را تحمل می‌کنند. روزی که به پا خیزند و بساط جمهوری اسلامی را از ایران برچینند، آن‌گاه تمام آن‌چه را که از حاصل دسترنج‌شان دزدیده و غارت شده است، از حلقوم غارت‌گران بیرون خواهند کشید

اتفاقاتی که در نوع خود در جهان نظیر ندارند

در ایران اتفاقاتی رخ می‌دهد که در هیچ کشور جهان نمی‌توان نمونه آن را سراغ گرفت. اتفاق عجیب و غریبی است که اگر مردم یک کشور صبح یک روز وقتی که می‌خواهند از حساب بانکی خود پول برداشت کنند، متوجه شوند که از نیمه‌های شب حساب بانکی آن‌ها مسدود شده است. اما در ایران، این کشور بی حساب و کتاب که هر اتفاق غیر معمول در جهان می‌تواند در این‌جا عادی تلقی شود، بستن شبانه ۲ تا ۳ میلیون حساب مردم نیز به سادگی می‌تواند رخ دهد.

صبح روز شنبه این هفته وقتی که مردم برای برداشت پول خود به خودپردازها مراجعه کردند، دریافتند که حساب آن‌ها در بانک صادرات مسدود شده و پیغام روی صفحه مونیتر می‌گوید:

"لطفاً به شعبه افتتاح حساب خود مراجعه کنید." اخبار بعدی حاکی بود که از نیمه شب جمعه، بدون این که مردم اطلاعی داشته باشند، بانک صادرات حساب ۲ تا ۳ میلیون نفر را مسدود کرده است. جمعیت به سوی شعبات بانک صادرات روانه گردید تا ببیند به چه حقی بانک صادرات حساب آن‌ها را مسدود کرده است. با مراجعه به بانک‌ها، پاسخ شنیدند که بروید و کارت ملی و اصل شناسنامه تان را بیاورید که می‌خواهیم کد ملی و سریال شناسنامه را وارد فرم‌های مخصوص اینترنتی کنیم. اعتراض مردم بالا گرفت. چرا که وقتی فرم‌های افتتاح حساب پر می‌شود، همه مشخصات در آن‌ها ثبت می‌گردد. حالا صاحبان ۲ تا ۳ میلیون حساب با ازدحامی که در شعب بانک صادرات ایجاد شده، باید ساعت‌ها منتظر بمانند تا به آن‌ها اجازه داده شود از حساب بانکی خود پول برداشت کنند. تحلیل مردم از علت این اتفاق چیست؟ گروهی می‌گویند بانک صادرات با مشکل بازپرداخت پول مردم روبروست. گروهی دیگر می‌گویند: بانک صادرات با این اقدام میلیاردها تومان بهره به جیب می‌زند. چون پرداخت نکردن سپرده مردم برای بانک می‌تواند هر روز صدها میلیون تومان بهره به بار آورد.

خبرنگار خبرگزاری مهر که گویا پیگیر دانستن علت این مسدود شدن حساب‌ها شده بود، از قول مقامات بانک صادرات گزارش کرد که "بین دو تا سه میلیون حساب بانکی، مغایرت مشخصاتی و اطلاعات غلطی دارند که سیستم مرکزی آن‌ها را مسدود کرده است". یعنی واقعاً هرج و مرج سیستم بانکی جمهوری اسلامی در این حد است؟ البته دلیل قانع‌کننده‌ای نیست، اما این را هم نمی‌شود انکار کرد که هرج و مرج تمام تار و پود ارگان‌ها، نهادها و مؤسسات جمهوری اسلامی را فرا گرفته است. این هرج و مرج به جایی رسیده است که مقامات جمهوری اسلامی حتا علیه یکدیگر هفت‌تیرکشی می‌کنند. در همین هفته خبری انتشار یافت که پس از مشاجره‌ای که میان رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت استان تهران با معاون بازرسی این سازمان رخ داد، آقای رئیس ترور شد. ماجرا هم از این قرار بود که معاون بازرسی سازمان، که پیش از ادغام، یکی از مدیران سازمان بازرگانی بود، وقتی که متوجه می‌شود ممکن است پست سابقش از او گرفته شود، عصبانی می‌شود و چون این رئیس و رؤسا که عموماً بسیجی، سپاهی و اطلاعاتی هم هستند و مسلح‌اند، اسلحه خود را می‌کشند و سه گلوله پی در پی به رئیس سازمان شلیک می‌کند. البته اتفاق جدیدی نیست، جمهوری اسلامی از این نمونه‌ها فراوان داشته و خواهد داشت. اما بحث بر سر اقدام بانک صادرات بود، اقدامی که نظیر آن را در هیچ کشور جهان نمی‌توان یافت. یک نمونه دیگر

از همین اتفاقات را هم بخوانید و اگر کسی نظیر آن را در کشور دیگری هم شنیده است، لطف کنید و به ما خبر دهید.

رئیس کمیسیون آموزش مجلس در این هفته گفت: "بنا بر اطلاعاتی که به مجلس رسیده است، ۱۶ تا ۳۰ هزار نفر از معلمانی که امسال بازنشسته شده‌اند، ۸ ماه است حقوق نگرفته‌اند." تا اینجا اتفاق جدیدی نیست و هر کس می‌داند که هم اکنون ده‌ها و صدها هزار کارگر هستند که ماه‌ها و حتا سال‌ها حقوق نگرفته‌اند. اما آنچه که جدید است، از این قرار می‌باشد که پس از مبارزات چندین ساله معلمان، وزارت آموزش و پرورش بالاخره "در سال ۸۹ برای معلمان دارای مدرک کارشناسی و بالاتر به عنوان کارمندان عالی‌رتبه حکم افزایش ۸۰ هزار تومانی در نظر گرفت." اما حالا که گروهی از معلمان بازنشسته شده‌اند، به آن‌ها می‌گویند افزایش حقوق ۸۰ هزار تومانی را نمی‌پردازیم و صندوق بازنشستگی کشوری، معلمان بازنشسته را زیر فشار قرار داده است که تعهد بدهند ۸۰ هزار تومان را نمی‌خواهند.

معلمان بازنشسته هم زیر بار پذیرش این زورگویی و کلاهبرداری نرفته و خواهان پرداخت تمام حقوق خود هستند. واقعاً که رسوائی جمهوری اسلامی حد و مرز ندارد. پس از سال‌ها تلاش و مبارزه معلمان، می‌پذیرند که ۸۰ هزار تومان بر حقوق آن‌ها افزوده شده، اما بعد معلمان را زیر فشار و تهدید قرار می‌دهند که بیائید تعهدنامه امضاء کنید که این افزایش ۸۰ هزار تومانی را نمی‌خواهید. این‌جا دیگر یک کلاهبرداری رسوا و آشکار است. حقیقتاً نمی‌توان کشور دیگری را پیدا کرد که در آن دستمزد و حقوق را افزایش دهند و بعد بگویند بیائید تعهدنامه امضاء کنید که این افزایش را نمی‌خواهید.

جمهوری اسلامی به تمام معنا در دنیا بی‌نظیر است. از آنجائی که دولتی اسلامی است، مظهر بدترین نوع دولت‌هاست. جمهوری اسلامی فقط یک دولت پاسدار منافع سرمایه‌داران، یک دولت استبدادی و سرکوبگر نیست. جمهوری اسلامی یک دولت جنایت‌کار، سرتاپا فاسد، دزد، قاچاقچی و کلاهبردار نیز هست. مردم ایران بیش از این نباید این سمبل تام و تمام ارتجاع، بی‌رحمی و تمام‌پلیدی‌های یعنی این دولت را تحمل کنند.